

ذره بین

آموزش همگانی - عزم همگانی

روش‌های دیگر آموزشی مانند تولید و پیش کتابچه، پمفلت، بروشور آموزشی، لوح فشرده موزیک، انیمیشن‌ها و تیزرهای آموزشی، سامانه ارسال پیام کوتاه، درج مطالب آموزشی در سایت‌ها و آموزش الکترونیکی و سایر شیوه‌های فرهنگ‌سازی و آموزش جامعه‌محور، راه‌ها و ظرفیت‌هایی است که جمعیت هلال احمر در طول سال‌ها از آن سودجسته و در جهت استقرار فرهنگ ایمنی و خودمادگی در جامعه کوشیده است. اما چالش‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد که گاه اثربخشی این آموزش‌ها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد یا موجب ناکارآمدی آنها می‌شود. این عوامل می‌تواند تمام مولفه‌های آموزش شامل حیطه دانش، بینش و باور و مهارت و اصلاح الگوهای رفتاری مردم را تحت‌تأثیر قرار دهد و نهایتاً تأثیر آموزش‌ها در زندگی انسان‌ها را با مشکل مواجه کند.

بخشی از این چالش‌ها و نقاط ضعف یا تهدیدها، به خود مردم و شرایط زندگی شخصی آن بازمی‌گردد، بخشی به جامعه و مولفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن و بخشی به مدیران و مسئولان یا به عبارت دیگر به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان.

برای تشریح موضوع ذکر یک مثال می‌تواند کمک‌کننده باشد: گاه فردی امکانات اقتصادی و اجتماعی لازم را دارد و در معرض آموزش‌ها نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قرار دارد اما تغییر رفتاری در وی مشاهده نمی‌شود مثلاً فرد یا خانواده‌ای که از ضرورت مقاوم‌سازی سازه‌ها یا غیرسازه‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری زلزله آگاه است اما در عمل رعایت نمی‌کند یا فردی که اهمیت و ضرورت بستن کمر بند ایمنی در خودرو را می‌داند اما ندرتاً از کمر بند استفاده می‌کند که این ناشی از ضعف در باورهای مردم دارد و دیربازی نسبت به احتمال وقوع حادثه برای هر فرد، در هر زمان و هر مکان.

اماد در شکل دیگر عواملی مانند فقر اقتصادی و فرهنگی، بیکاری، اعتیاد و سایر آسیب‌های وارد به فرد و خانواده و میزان پایین تحصیلات و دانش برخی از مردم می‌تواند موجب عدم توجه آنان به مخاطراتی باشد که هر لحظه در کمین انسان‌هاست. به‌عنوان مثال امکانات مالی نامناسب مجال و فرصتی برای برنامه‌ریزی و توجه به ایمنی و آمادگی مردم در برابر سوانح را نمی‌دهد.

مدیران و مسئولان نیز باید بیش از پیش به اهمیت آموزش همگانی توجه کنند. کشور ما در معرض دهه‌ها بلایه طبیعی همچون زلزله و سیل و بی‌شمار بلایه انسان‌ساخت مانند تصادفات شهری و جاده‌ای، آتش‌سوزی‌ها، سوانح صنعتی و کارگاهی و امثال آن است که سالانه هزاران نفر تلفات انسانی شامل از بین رفتن جان انسان‌ها و معلولیت‌ها را در پی دارد و میلیاردها ریال خسارت مادی و مالی برای می‌گذارد که نیازمند بازسازی و بازتوانی و صرف هزینه‌های فراوان است و این در حالی است که به صرف درصدی از این هزینه‌ها در امر آموزش و فرهنگ‌سازی می‌توان از وقوع این حوادث پیشگیری کرد.

به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت آموزش جامعه‌محور بحران و پیشگیری از سوانح و حوادث یک ضرورت و اهمیت است. ۴۰۰ شعبه در شهرستان‌ها و در پایگاه‌های آموزشی خود در استان‌ها صدها هزار نفر را به‌طور رایگان در کلاس‌های حضوری امداد و کمک‌های اولیه آموزش می‌دهد و در کنار آن در حوزه جوانان هلال احمر در شاخه‌های دانش‌آموزی، کانون‌های دانشجویی، طلاب، کارگری و آزاد در مراکز امور جوانان هلال احمر و در خانه‌های داوطلبی سازمان داوطلبان، در مراکز علمی - کارپردی، در دست‌آموزی و برنامه عمران سازمان ملل متحد و امثال آن است.

محمد هادی تدین | آمادگی جوامع برای قابلیت انجام امور و مشارکت فعال احاد مردم در برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که به هر نحو ممکن در زندگی آنان تأثیرگذار است امروزه یک اصل اجتناب‌ناپذیر در زندگی انسان‌ها و حیات جوامع بشری است. پیچیدگی جوامع و روند رو به توسعه آنها همراه با پیشرفت علوم و تکنولوژی، انسان امروز را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو ساخته است. حجم انبوه اطلاعات و داده‌ها خود یک موضوع جدی است و رشد تصاعدی علوم که هر ثانیه بر آن افزوده می‌شود جوامع را ناگزیر به سمت رونق سریع و ناگزیر توسعه و آمادگی برای رویارویی با پیامدهای خوب یا بد آن، جامعه نیازمند آموزش است. به تعبیر دیگر مردم در هجوم اطلاعات و علوم و در ازدحام توسعه فناوری و صنعت که با رشد روزافزون جمعیت انسانی روی این کره خاکی که خود به لحاظ منابع و ظرفیت‌ها محدودیت‌هایی دارد همراه است، باید بدانند که چگونه می‌توانند از این شرایط به بهترین وجه بهره‌برداری کنند و خود را در برابر مخاطرات و پیامدهای منفی آن مصون سازند چرا که هرگونه تغییر و تحول و توسعه می‌تواند ضمن آثار خوب و مثبت، بحران‌ها و تنش‌هایی را ایجاد کند که در صورت عدم آمادگی مردم، تبدیل به یک فاجعه می‌شود.

ایمن بحران‌ها می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، بهداشتی، ایمنی و سلامت جامعه و... باشد و اصلی‌ترین راه کاهش آنها، پیشگیری از عوامل خطر و آموزش راه‌های کاهش آسیب و نحوه صحیح پاسخگویی به بحران‌هاست.

جمعیت هلال احمر به‌عنوان جزئی از نهضت جهانی صلیب‌سرخ و هلال احمر و نیز به استناد قوانین و اسناد فرادست، مسئولیت‌های خطیر و بزرگی را در حوزه مدیریت بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی و حوادث انسان‌ساخت برعهده دارد که از آن جمله می‌توان به آموزش همگانی و امداد و نجات آسیب‌دیدگان سوانح اشاره کرد.

بر این اساس، این نهاد خیریه و مردمی از دیرباز با کمک داوطلبان و اعضای خود به آموزش مردم پرداخته و در یک برنامه‌ریزی مبتنی بر نیازسنجی و یافته‌های حاصله از پژوهش‌های انجام شده قریب به ۵۰ گروه فردی را شناسایی کرده که می‌تواند با تولید محتوای آموزشی و انتخاب روش‌های آموزش مخصوص هر کدام، آنها را برای تحقق جامعه‌ای ایمن و آماده، مهیا ساخت.

گروه‌های هدف شامل خردسالان در مهدکودک‌ها و خانواده‌ها، دانش‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، دانشجویان، کارگران، کشاورزان و دامداران، آموزگاران و اساتید دانشگاه، زنان خانه‌دار، کارمندان و مدیران دستگاه‌های اجرایی، پزشکان و گروه‌های وابسته، مهندسان، صاحبان سایر حرف و مشاغل و در نهایت عموم مردم هستند که برای هر قشر محتوا و الگوی خاص آموزشی مشخص شده است.

جمعیت هلال احمر سالانه در قریب به ۴۰۰ شعبه در شهرستان‌ها و در پایگاه‌های آموزشی خود در استان‌ها صدها هزار نفر را به‌طور رایگان در کلاس‌های حضوری امداد و کمک‌های اولیه آموزش می‌دهد و در کنار آن در حوزه جوانان هلال احمر در شاخه‌های دانش‌آموزی، کانون‌های دانشجویی، طلاب، کارگری و آزاد در مراکز امور جوانان هلال احمر و در خانه‌های داوطلبی سازمان داوطلبان، در مراکز علمی - کارپردی، در دست‌آموزی و برنامه عمران سازمان ملل متحد و امثال آن است.

گزارش



عکس: امیر شاهه / شهرنو

آموزش درست، کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با بحران

جامعه هدف برای آموزش تعریف نشده است

دانش آموز مقطع هفتم است نیز مانند سایرین است و او هم می‌گوید که دو یا سه بار در سال گذشته، تنها آموزش‌های مقابله با زلزله از قبیل زیر میز رفتن و... را به آنها داده‌اند. ختم می‌زایی هم معلم پنجم دبستان است. او هم آموزش‌های فعلی را دارای نقص دانسته و می‌گوید: «آموزش مقابله با بحران با آموزش‌های مقابله با زلزله خلاصه شده و تا آن جا که من اطلاع دارم یک بخشی از کتاب علوم مقطع پنجم دبستان تحت‌عنوان «زمین ناام» به مقوله زلزله و مقابله با آن می‌پردازد و در سایر مقاطع چنین چیزی ندیده‌ام. البته آموزش‌های کتاب هم ناقص‌هایی دارد و معلمان خود باید آن را بسط داده و بچه‌ها را با شرایطی که ممکن است با آن مواجه شوند، روی‌رو کنند و اما در هر حال به جز این فصل در کتاب پنجم و نهم‌های مقطعی چیز دیگری ندیده‌ام.»

این امر درحالی است که برخی طرح‌ها برای مقاطع تحصیلی گوناگون طراحی شده اما در عمل این طرح‌ها در محدوده مشخص و از طرفی به صورت دوره‌ای عملیاتی می‌شوند و همین هم عاملی شده تا نتوان به نتایج آنها دل بست. چنانچه اسکاچ هم بر این امر تأکید می‌کند: «این طرح‌ها بسیار محدود و موقتی است و یک‌سال یک طرحی آغاز می‌شود اما بعد از آن سال صرفاً اسمش می‌ماند اما طرح فعال و عملیاتی نمی‌شود. اما با تازگی شاهد یک‌سری فعالیت‌ها هستیم و اخیراً جلساتی در معاونت آموزشی پژوهشی جمعیت هلال احمر با حضور افراد متنوع و با تجربه برگزار می‌شود که افراد گردهم می‌آیند و برای یک جیش و با رویکرد جدید برنامه‌ریزی می‌کنند. افرادی که به زحمتم می‌توان آنها را یک‌جا جمع کرد، با انگیزه دور هم جمع شده‌اند و روی گروه‌های هدف و روش‌ها مطالعه می‌کنند که این اتفاق بسیار خوبی است که نتایج آن را به‌زودی می‌توان دید. البته آنچه اجرایی شدن آن را ضمانت می‌کند، متعهدشدن سازمان‌ها و دستگاه‌های مختلف است که دست به کار شوند و به این نتیجه برسند که آموزش درست، کم‌هزینه‌ترین راه مقابله با بحران است.»

به این ترتیب گروه‌های هدف باید شناسایی شوند. برای هر گروه هدف، باید روش کار و عناوین متناسب با خودشان طراحی شود و نباید یک نسخه را برای همه مردم تجویز کرد. مشکل دوم در روش‌ها و ابزار است که این روش‌ها باید عام و متنوع باشند. تمام این موارد بر پایه همراهی مردم و مطالبه‌گری آنهاست. اسکاچ نیز با اشاره به تجربه سایر کشورها، پیشرفت آنها را بر مبنای «مدیریت بحران جامعه‌محور» دانسته و می‌افزاید: «هی‌توان به تجربه ارزنده کشورهای پیشرویی مثل هند، پاکستان، کانادا، آمریکا، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی اشاره کرد که آنها مخاطرات محتمل خود را شناسایی کرده و با استراتژی به «مدیریت بحران جامعه‌محور» پرداخته‌اند. براساس مطالعاتی که در این راستا انجام داده‌ایم، اغلب قریب به اتفاق این کشورها با حساس‌سازی جامعه شروع کردند و همین هم عاملی شده تا نتیجه مطلوب را کسب کنند. چرا که مردم جامعه با طرح‌ریزی مباحث آموزشی صورت گیرد و البته همواره در ارابه و عملیاتی شدن طرح‌های آموزشی، این جمعیت جای بسیار از گان‌ها را خالی می‌داند و از سوی دیگر انتقاداتی نیز از این حیث وارد است که آنچنان که باید و شاید در حوزه ارابه طرح‌های آموزشی موفق عمل نکرده‌ایم. در میان این دو بحث اما بسیاری از کارشناسان نقش کم‌رنگ مردم و عدم مطالبه‌گری انسان را از جمله اصلی‌ترین عوامل موثر در این زمینه می‌دانند. چنانچه حمیدرضا اسکاچ، کارشناس حوزه مدیریت بحران به «شهرنو» می‌گوید: «بحث آموزش مثلثی است که سه رأس دارد یک رأس جمعیت هلال احمر است، رأس دیگر سایر سازمان‌ها و رسانه‌ها هستند و رأس سوم که اتفاقاً دارای اهمیت بسیار زیادی است خود مردم هستند. مردم باید مطالبه کنند، نه آن‌که بی‌خیال از آن‌ها بگذرد. چنانچه اسکاچ نیز بر این امر تأکید کرده و می‌گوید: «در حوزه آموزش در گام نخست با این مشکل مواجهیم که گروه هدف مشخصی نداریم.

مردم باید مطالبه کنند، نه آن‌که بی‌خیال از کنار امری به این مهمی بگذرند. این حساسیت در بین مردم ما وجود ندارد. هر چند این امر مسئولیت مسئولان را کم نمی‌کند

این است که جامعه هدف به‌درستی برای این امر تعریف شود و اما هنوز تعریف درستی از جامعه هدف در حوزه آموزش وجود ندارد و همین مورد هم عاملی شده است تا آموزش‌ها به شکلی جسته و گریخته و دوره‌ای باشند. انتخاب و جداسازی جامعه هدف در گام نخست می‌تواند نظم و ترتیب مناسبی را به مقوله آموزش دهد و در نهایت نیز می‌تواند عاملی باشد برای آن که هنگام بحران هر گروه بتواند با دقت و جدیت وارد عمل شود. چنانچه اسکاچ نیز بر این امر تأکید کرده و می‌گوید: «در حوزه آموزش در گام نخست با این مشکل مواجهیم که گروه هدف مشخصی نداریم.

برخی طرح‌ها برای آموزش مقابله با بحران

سازمان مدیریت و پیشگیری از بحران

شهر تهران مصمم به اجرای پروژه ایجاد گروه‌های داوطلب واکنش اضطراری در سطح محلات شهر تهران شده است. در این طرح داوطلبان پس از طی دوره‌های آموزشی مرتبط با بحران و مدیریت آن شامل امداد و نجات، کمک‌های اولیه، اطفای حریق و... گروه داوطلب واکنش اضطراری محله «دوام» را تشکیل می‌دهند.

متقاضیان پس از ادای سوگند به‌طور رسمی وظایف خود را در قالب این گروه‌ها آغاز می‌کنند. داوطلبانی که خواهان شرکت در گروه‌های دوام هستند باید پس از دریافت و تکمیل فرم ثبت‌نام داوطلبان آن را به ستاد مدیریت بحران منطقه خود تحویل دهند. لازم به ذکر است که داوطلبان می‌توانند با مطالعه شرح وظایف داوطلبان با اموری که در آینده به آنها محول خواهد شد، آشنا شوند.

تئاتر آموزشی در مدارس: در راستای توانمندسازی مدارس جهت مقابله با حوادث طبیعی و همچنین ارتقای تعامل و اشتراک مساعی پایدار، سند همکاری فی‌مابین این سازمان و سازمان آموزش و پرورش شهر تهران منعقد شده که براساس آن حساس‌سازی و بسترسازی آموزش‌های مورد نظر (آمادگی در برابر زلزله و پیاده‌سازی سیستم مدیریت بحران) در دانش‌آموزان مقطع اول راهنمایی مدارس پسرانه و دخترانه شهر تهران برگزار شده است و پس از بررسی علمی و فنی برنامه نمایشنامه گروه هنری، چندین برنامه آزمایشی تئاتر در مدارس اجرا شد و در نهایت پس از سنجش و ارزیابی اثربخشی آنها مرتب تعمیم اجرای نمایش در دیگر مدارس شهر تهران اتخاذ شده است.

داوطلب واکنش اضطراری محله (دوام): سازمان پیشگیری و مدیریت بحران

هلال احمر

طرح کانون غنچه‌های هلال در مهدکودک‌ها و مدارس دبستانی و طرح‌هایی برای کانون دانش‌آموزی و دانشجویی به صورت ملی به‌اجرا در آمده است که در این طرح‌ها افراد پایین ۲۹ سال آموزش می‌بینند و اکنون بیش از ۳ هزار کانون در سراسر کشور وجود دارد که در حدود دویلمیون نفر در این کانون‌ها به صورت سازمان یافته آموزش‌های اولیه دیده‌اند و در حدود ۵۰ هزار نفر نیز به آموزش‌های تخصصی دست یافته‌اند.

سازمان بهزیستی

طرح محب: این طرح به منظور پیشگیری و کاهش بروز مشکلات روانی- اجتماعی در بلایای طبیعی توسط سازمان بهزیستی تحقق می‌یابد. در اجرای این طرح سعی بر آگاه‌سازی همگانی با آموزش مهارت‌های زندگی به‌ویژه مدیریت استرس است تا مردم محله‌ها را به گونه‌ای توانمند کند تا پروژه‌های مدیریت بحران را قبل از حادثه تدوین کنند. گسترش طرح محب و مدیریت بحران باید به‌صورت لایه‌ای در تمام مجموعه به‌زیستی اجرا شود تا منطق رفتاری، بهینه‌سازی و اثربخشی خود را در سطح جامعه نشان دهد.



عکس: نسیم اشعاری / شهرنو